

«تروریسم» بار دیگر به آمریکا بازگشت. این جمله تیتربسیاری از روزنامه‌های غربی در روزهای گذشته بود. بامداد یکشنبه (۲۳ خرداد) فردی ۲۹ ساله به‌نام عمر متین که یک شهروند آمریکایی افغانی تبار بود با تیراندازی در یک باشگاه شبانه (ویژه همجنس‌گرایان) در شهر «ورلاندو» در ایالت «فلوریدا» ۵۰ نفر را کشت و ۵۳ نفر را نیز زخمی کرد. بلافاصله پس از این عملیات تروریستی فرماندار فلوریدا در این ایالت شرایط فوق‌العاده اعلام کرد. بسیاری از خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های تحلیلی آمریکا این حادثه تروریستی را بدترین و مرگبارترین حادثه تیراندازی در تاریخ آمریکا عنوان کردند و بار دیگر به مسئله نمود امنیت و آفایش حملات تروریستی در این کشور پرداختند. پیش از این حادثه، مرگبارترین حادثه تیراندازی در آمریکا مربوط به سال ۲۰۰۷ میلادی در ویرجینیا بود که در آن حادثه نیز ۳۲ نفر کشته شدند. بر اساس گزارش‌ها آمریکا بالاترین میزان کشتار جمعی در میان سایر کشورهای جهان را دارد. تحقیقات دانشگاه الابامای آمریکا نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۶۶ تا ۲۰۱۲ میلادی، ۹۰ فقره کشتار جمعی در آمریکا رخ داده بود. پس از ایسن حمله، «پاراک اوپاما» رئیس‌جمهور آمریکا این حمله را اقدامی تروریستی با انگیزه نفرت خواند و گفت، این حادثه بدترین تیراندازی در تاریخ ایالات متحده آمریکا بوده است. اوپاما بدون اشاره به تروریسم اسلامی از لزوم تمهیدات جدی و گسترده برای کنترل سلاح سخن گفت. وی در دیدار با خانواده قربانیان حمله تروریستی گفت، شواهدی مبنی بر اینکه عامل حمله «به طور مستقیم» با پیکارجویان دولت اسلامی ارتباط داشته به دست نیامده است. اما در مقابل دونالد ترامپ بار دیگر این حادثه را بهانه‌ای برای حمله به مسلمانان قرار داد و اعلام کرد که این حادثه صحبت‌های اخیر من درباره مسلمانان افراطی را تأیید کرد. بر اساس اعلامیه خبرگزاری «اعماق»، که سخنگوی داعش به شمار می‌آید، داعش بلافاصله مسئولیت خود در این حمله و وابستگی عامل آن به این گروه را اعلام کرد. اما دلیل این حمله چه بود و چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؟ در این مطلب سعی می‌شود زوایای مختلف این حادثه واکاوی شود.

بررسی سناریوهای مختلف

حادثه اورلاندو سبب شده است تا کارشناسان مختلف فرضیه‌های متفاوتی را مطرح کنند. به‌طور کلی قضاوت‌ها درباره این حادثه به دو دسته تقسیم می‌شود؛ عده‌ای آن را نتیجه حمایت‌های غرب از داعش دانسته و اعلام کرده‌اند که داعش به خانه خود بازگشت. اما در مقابل عده‌ای معتقدند که این حادثه اساساً مشکوک است و چه بسا همانند حادثه ۱۱ سپتامبر برنامه‌ریزی شده باشد.

سناریوی اول: بازگشت داعش به خانه

اولین سناریویی که درباره این حادثه مطرح شده این است گروه تروریستی داعش عامل این حادثه است. استدلال موافقان این فرضیه این است که آمریکا در سال‌های گذشته و در مراحل تأسیس گروه تروریستی داعش طبق اعتراف هیلاری کلینتون در کتاب گزیننه‌های دشوار کمک کرده است. در واقع، آمریکا با تقویت و تجهیز تروریست‌ها در غرب آسیا و استفاده ازبازی از آنها مقدمات حمله به خود را فراهم آورده است؛ چراکه در جهان امروز موضوع امنیت تفکیک‌ناپذیر است و نمی‌توان با ناامن کردن مناطق دیگر برای خود امنیت کسب کرد. در این باره نیز داعش به صورت گروهی تروریستی درآمده است که دیگر طبق فرمان اربابان خود عمل نمی‌کند و حملات این گروه تروریستی در اروپا و به تازگی در آمریکا نشانه این مهم است. این موضوع، که «عمر صدیقی» مستقیم‌ترین عضو این گروه شبانه در شهر «ورلاندو» در ایالت «فلوریدا» و انجام حمله تروریستی در آن، با داعش بیعت کرده و وفاداری خود را به این گروه تروریستی اعلان کند(البته طبق ادعای رسانه‌های غربی)، به این معناست که برای نخستین بار، این جوان آمریکایی افغانی تبار به شیوه‌های مستقیم یا غیرمستقیم به درخواست «بومحمدالعذنانی»

سخنگوی داعش، که از جوانان مسلمان خواسته است حملاتی را در غرب برای انتقام از دخالت نظامی علیه این گروه در سوریه و عراق و تلاش برای ریشه‌کن کردن و نابود کردن آن صورت دهند، پاسخ مثبت داده است. در واقع، نفرت آمریکایی‌ها از اعراب و مسلمانان، که در لشکرکشی به عراق و اشغال آن به رهبری ترامپی دیگر به نام «جرج بوش پسر» نمود پیدا کرد، همان موضوعی است



که بذر تروریسم را در عراق کاشت. سپس رشد کرد و پرورده شد و ثمره آن نیز گروه‌های تروریستی افراطی و در رأس آنها داعش شد. دخالت‌های نظامی آمریکا که با پشتیبانی ناتو و با تئانی برخی حکومت‌های عربی و ایجاد سه‌بمب‌بندی طایفه‌ای و درگیری‌های قومی صورت می‌گیرد، بستر را برای افراط‌گرایی، خشونت، تروریسم و تبدیل بیش از پنج کشور به کشورهای ناامن فراهم کرد.

جیمز کومی رئیس افبی‌آی اعلام کرد، عمر متین احتمالاً از طریق محتوای وبگاه‌های اینترنتی تحریک و نهایتاً رادیکالیزه شده و تاکنون شواهدی دال بر ارتباط سازمان یافته و مستقیم او با داعش و سایر گروه‌های تروریستی وجود ندارد

سناریوی دوم: تکرار ۱۱ سپتامبر دیگر

اما سناریوی دیگری که در این میان محتمل است، تکرار حادثه ۱۱ سپتامبر و همانندی حادثه اورلاندو با این واقعه در سال ۲۰۰۱ است. حادثه ۱۱ سپتامبر در حالی به وقوع پیوست که آمریکا برای لشکرکشی به جهان اسلام نیازمند بهانه‌ای بود. در واقع، حملات ۱۱ سپتامبر این بهانه را به آمریکا داد تا به نام مبارزه با تروریسم به افغانستان و سپس عراق حمله کند. اما پس از این حادثه مشخص شد که آمریکا صحنه‌گردان این حادثه بوده است و در واقع، این یک پروژه از پیش طراحی شده بوده است. کارشناسان آمریکایی به صراحت اعلام کردند که در

صبح صادق ابعاد مختلف حادثه اورلاندو را بررسی می‌کند

۱۱ سپتامبر دوم

محمدرضا مرادی

حادثه ۱۱ سپتامبر سازمان‌های اطلاعاتی عربستان، آمریکا و رژیم صهیونیستی با یکدیگر همکاری کرده‌اند. درباره حادثه اورلاندو نیز تردیدهایی وجود دارد. یکی از این تردیدها مربوط به قطعی نبودن اظهارات مقامات امنیتی آمریکا در زمینه وابستگی عامل تیراندازی به داعش است. سخنگوی افبی‌آی در این باره اعلام کرد که مقامات در حال بررسی دقیق این موضوع هستند که آیا این موضوع یک موضوع داخلی است،



یا یک حمله تروریستی بین‌المللی اتفاق افتاده است. درواقع، یکی از اقداماتی که این سناریو را تقویت می‌کند مربوط به اقدام پلیس آمریکا در کشتن سریع مهاجم است. در صورتی که این حمله، تروریستی و منتسب به داعش بوده باشد پلیس آمریکا می‌توانست با دستگیری مهاجم با روش‌های مختلف، اطلاعات مهمی درباره شبکه‌های احتمالی تروریستی در داخل آمریکا کسب کند؛ اما ظاهراً پلیس آمریکا با کشتن مهاجم اعلام کرد که این حادثه به داعش ربطی ندارد و یک حادثه داخلی است و تنها رسانه‌های غربی سعی دارند آن را با هدف حمله بیشتر به کشورهای اسلامی به اسلام‌گراها نسبت دهند.

اظهارات اسلام‌ستیزانه ترامپ و برخی دیگر از مقامات آمریکایی در حالی است که خانواده عامل حادثه اورلاندو اعلام کرده‌اند که او در انجام این عملیات هیچ انگیزه مذهبی نداشته و فقط از همجنس‌بازها متنفر بوده است. در زمینه انتساب وی به گروه تروریستی داعش نیز اظهارات ضد و نقیضی از سوی مقامات آمریکایی مطرح شده است. جیمز کومی رئیس افبی‌آی اعلام کرد، عمر متین احتمالاً از طریق محتوای وبگاه‌های اینترنتی تحریک و نهایتاً رادیکالیزه شده و تاکنون که این حادثه به داعش ربطی ندارد و یک حادثه داخلی است و تنها رسانه‌های غربی سعی دارند آن را با هدف حمله بیشتر به کشورهای اسلامی به اسلام‌گراها نسبت دهند.

در ماه‌های اخیر حملات بی‌سابقه‌ای در رسانه‌های غربی علیه اسلام‌گرایان صورت گرفته است. افزون‌بر این حملات، دونالد ترامپ، نامزد جمهوربخوانان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اعلام کرده است که برای حفظ امنیت شهروندان آمریکایی باید از سفر مسلمانان به این کشور جلوگیری شود. در واقع، اگر به این سناریو معتقد باشیم، این اظهارات در ماه‌های گذشته به نوعی آماده‌سازی افکار عمومی برای منتسب کردن حمله اورلاندو یا حملاتی شبیه به آن به اسلام‌گرایان بوده است. اما زمینه‌سازی برای انتساب این حادثه به اسلام‌گرایان به چه صورت بوده است: در ۲۹ مارس ۲۰۱۶ (۱۰ فروردین ۹۵) شبکه ۹ تلویزیون WFTV به مناسبت سخنرانی اخیر دکتر فرخ بهرام سکالش‌فر در «مرکز اسلامی حسینی» شهر سنفرود فلوریدا، به سخنرانی جنجالی سال ۲۰۱۳ او در دانشگاه شیکاگو پرداخت.

این سخنرانی، که متن آن در «یوتیوب» منتشر شده، در دفاع از مجازات اعدام همجنس‌گرایان در اسلام است. شبکه تلویزیونی فوق سخنرانی سکالش‌فر را دعوت به کشتار همجنس‌گرایان یک فعال ضداسلامی سرشناس آمریکا به نام رابرت اسپنسر در وبگاه «جهاد واچ» مجدد به سخنرانی سکالش‌فر پرداخت

و آن را دعوت اسلام به کشتار همجنس‌گرایان نامید. با کشتار همجنس‌گرایان در اورلاندو جنجال سخنرانی فرخ بهرام سکالش‌فر در ماه‌های اخیر حملات بی‌سابقه‌ای در رسانه‌های غربی علیه اسلام‌گرایان صورت گرفته است. افزون‌بر این حملات، دونالد ترامپ، نامزد جمهوربخوانان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اعلام کرده است که برای حفظ امنیت شهروندان آمریکایی باید از سفر مسلمانان به این کشور جلوگیری شود. در واقع، اگر به این سناریو معتقد باشیم، این اظهارات در ماه‌های گذشته به نوعی آماده‌سازی افکار عمومی برای منتسب کردن حمله اورلاندو یا حملاتی شبیه به آن به اسلام‌گرایان بوده است. اما زمینه‌سازی برای انتساب این حادثه به اسلام‌گرایان به چه صورت بوده است: در ۲۹ مارس ۲۰۱۶ (۱۰ فروردین ۹۵) شبکه ۹ تلویزیون WFTV به مناسبت سخنرانی اخیر دکتر فرخ بهرام سکالش‌فر در «مرکز اسلامی حسینی» شهر سنفرود فلوریدا، به سخنرانی جنجالی سال ۲۰۱۳ او در دانشگاه شیکاگو پرداخت.

تلاش‌ها برای انتساب عمر متین به اسلام‌گراها تشدید شده است و در این مسیر اظهارات برخی مقامات عربی به کمک تندروهای آمریکایی آمده است. منصور الترقی، سخنگوی وزارت کشور عربستان اعلام کرد عمر متین دو بار در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ برای انجام مراسم حج به عربستان سفر کرده بود که بار اول ۱۰ روز و بار دوم ۸ روز در عربستان اقامت داشته است. در همین راستا یک مسئول آمریکایی اعلام کرد سابقه سفرهای متین نشان می‌دهد که او یک بار هم به امارات سفر کرده است. در این سخنرانی سکالش‌فر در ماه‌های گذشته به نوعی آماده‌سازی افکار عمومی برای منتسب کردن حمله اورلاندو یا حملاتی شبیه به آن به اسلام‌گرایان بوده است. اما زمینه‌سازی برای انتساب این حادثه به اسلام‌گرایان به چه صورت بوده است: در ۲۹ مارس ۲۰۱۶ (۱۰ فروردین ۹۵) شبکه ۹ تلویزیون WFTV به مناسبت سخنرانی اخیر دکتر فرخ بهرام سکالش‌فر در «مرکز اسلامی حسینی» شهر سنفرود فلوریدا، به سخنرانی جنجالی سال ۲۰۱۳ او در دانشگاه شیکاگو پرداخت.

تلاش‌ها برای انتساب عمر متین به اسلام‌گراها تشدید شده است و در این مسیر اظهارات برخی مقامات عربی به کمک تندروهای آمریکایی آمده است. منصور الترقی، سخنگوی وزارت کشور عربستان اعلام کرده است که برای حفظ امنیت شهروندان آمریکایی باید از سفر مسلمانان به این کشور جلوگیری شود. در واقع، اگر به این سناریو معتقد باشیم، این اظهارات در ماه‌های گذشته به نوعی آماده‌سازی افکار عمومی برای منتسب کردن حمله اورلاندو یا حملاتی شبیه به آن به اسلام‌گرایان بوده است. اما زمینه‌سازی برای انتساب این حادثه به اسلام‌گرایان به چه صورت بوده است: در ۲۹ مارس ۲۰۱۶ (۱۰ فروردین ۹۵) شبکه ۹ تلویزیون WFTV به مناسبت سخنرانی اخیر دکتر فرخ بهرام سکالش‌فر در «مرکز اسلامی حسینی» شهر سنفرود فلوریدا، به سخنرانی جنجالی سال ۲۰۱۳ او در دانشگاه شیکاگو پرداخت.



کرده است، اما مسئولان سعودی تا کنون درباره اینکه آیا عامل حمله تروریستی اورلاندو در جریان سفرهایش به عربستان با تروریست‌های سرشناس دیدار و گفت‌وگو داشته، اطلاعاتی ارائه نکرده‌اند. در واقع سیر بر خورد مقامات و رسانه‌های آمریکایی با حادثه اورلاندو نشان می‌دهد که آنها در حال آماده‌سازی افکار عمومی برای تشدید فشارها و احتمالاً حملاتی شبیه به حملات پس از ۱۱ سپتامبر به کشورهای اسلامی هستند.

تأثیر حادثه اورلاندو در انتخابات آمریکا

حادثه اورلاندو بیشترین تأثیر را بر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که کمتر از پنج ماه دیگر بر گزار خواهد شد، به جای خواهد گذاشت. در واقع، همان‌طور که اشغال افغانستان و سپس اشغال عراق فرصت‌هایی بودند که فضای پس از حملات ۱۱ سپتامبر را در اختیار دولت نومحافظه‌کار جرج دبلیو بوش قرار داد، این موضوع نیز می‌تواند به همین طریق در انتخابات آینده تأثیر گذار باشد. اما تأثیر حادثه اورلاندو بر جایگاه دو نامزد انتخابات آمریکا به چه صورت خواهد بود؟

یکی از موضوعات مهم در مناظره‌های انتخاباتی آمریکا مربوط به آزادی خرید و فروش اسلحه بوده است. پس از این حادثه این موضوع دوباره اوج خواهد گرفت. ترامپ که حمایت‌های لابی‌های اسلحه‌سازی را دارد از این نظر تضعیف می‌شود. از سوی دیگر وی به این دلیل که اعتقاد داشت، داعش تهدید وجودی و برای آمریکا نیست جایگاهش تضعیف خواهد شد و مخالفان وی می‌توانند بر این دو نقطه دست بگذارند و مانور دهند. دقیقاً این دو نقطه ضعف ترامپ سبب ارتقای جایگاه هیلاری کلینتون خواهد شد و کلینتون که سهمی در مبارزه برای اعمال محدودیت در خرید و فروش اسلحه داشت، موضع محکم‌تری پیدا می‌کند. اما نکته منفی این است که سیاست خارجی و نحوه مقابله با تروریسم بیش از پیش به کانون رقابت‌های انتخاباتی برمی‌گردد و احتمالاً ترکش‌هایی هم نصیب ایران خواهد شد و ممکن است مستلزم موضع‌گیری‌های پیاپی از جانب ایران باشد. در ادامه، کلینتون تلاش خواهد کرد با ترک مواضع لیبرال، به جناح محافظه‌کارتر گرایش پیدا کند و ترامپ به جبران بی‌توجهی به سیاست خارجی و موضوع آزادی حمل سلاح، از انزواگرایی و محافظه کاری اجتماعی کمی فاصله خواهد گرفت. احتمالاً ترامپ با موج‌سواری بر روی حادثه اورلاندو حمله به سیاست‌های مهاجرتی و مسلمانان را شدت می‌بخشد و به نظر می‌رسد روابط اجتماعی با مسلمانان در داخل آمریکا ملتهب خواهد شد. ترامپ پس از این حادثه در اظهاراتی تند اعلام کرد، تنها دلیلی که این قاتل در آمریکا بود در وهله اول این است که ما به خانواده‌اش اجازه دادیم وارد آمریکا شوند. اگر رئیس‌جمهور شوم، مهاجرت به آمریکا را از مناطقی که سابقه مشخص و شناخته شده در تروریسم علیه آمریکا و اروپا دارند به حالت تعلیق درخواهم آورد، تا زمانی که بفهمیم چطور باید این تهدیدات را رفع کنیم. در این میان سیاست‌های اوپاما نقش مهمی در صعود و سقوط کلینتون و ترامپ بازی خواهد کرد. بنابراین رقابت‌های انتخاباتی در ماه‌های باقی مانده سه ضلع خواهد داشت و دولت اوپاما قاعده مثلث را تشکیل می‌دهد.

در هر صورت این موضوع، که قتل عام اورلاندو به نفع راست‌گرایان افراطی و نژادپرست در آمریکای شمالی و اروپا است، جای بحث ندارد؛ لذا نباید از سیل تبریک‌ها به «دونالد ترامپ» نامزد جمهوری‌خواه ریاست‌جمهوری آمریکا و خوشحالی آشکار وی تعجب کرد. او خوشحالی خود را با این پیام در حساب کاربری خود در «توییتر» نشان داد: «وی در تمرکز بر تروریسم اسلامی(!) و ضرورت رویارویی با آن بر حق بوده است.»

فرجام سخن

در پایان می‌توان گفت که در صورت اعتقاد به هر یک از سناریوهای بررسی شده حادثه اورلاندو سبب خواهد شد موج اسلام‌هراسی در اروپا و آمریکا افزایش یابد و به همین طریق میزان مداخله آمریکا و دیگر کشورهای غربی در عراق و سوریه بیشتر خواهد شد و همانند ۱۱سپتامبر این حادثه نیز می‌تواند بهانه مداخلات بیشتر باشد.

نگاه دو

این درس‌ها برای تاریخ نیست

یحیی ذبیحی

«آنچه فعالیت‌های تجاری را برهم می‌زند و متوقف می‌کند، تلاش نکردن آمریکا نیست؛ بلکه زمانی است که آنها می‌بینند موشک‌ها برای حزب‌الله فرستاده می‌شود، موشک‌ها به سمت ناوهای هواپیمابر آمریکا شلیک می‌شود و آنها (ایرانی‌ها) از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کنند. اینها کارهایی است که تجارت را مختل می‌کند. اینها اثرات روانی است که باید برداشته شوند.»

۴ – درس دیگری که از این دوره می‌توان و بی‌شک باید گرفت آن است که امتیاز دادن در یک موضوع – مانند هسته‌ای – آمریکایی‌ها را راضی نخواهد کرد



و پایان داستان نخواهد بود. واشنگتن فهرستی از موضوعات و خاکریزهایی که به خیال خود جمهوری اسلامی باید از آنها عقب‌نشینی کند را فراهم کرده و از اعلام رسمی و آشکار آن نیز ابایی ندارد. موضوع توانایی موشکی ایران، مسائل منطقه‌ای و ادعاهای حقوق بشری در صدر این فهرست قرار دارند. درس‌های کلیدی دوره یک ساله پسابرجام به موارد فوق محدود نبوده و می‌توان موارد دیگری نیز به آن افزود که از حوصله این نوشتار خارج است و می‌توان در آینده بیشتر به آنها پرداخت. اما سؤال اصلی اینجاست: مراکز تصمیم‌ساز چقدر روی این دوره و تجربیات آن کار کرده و می‌کنند و مراکز تصمیم‌گیر از این درس‌های کلیدی به چه میزان در راهبردهای خود بهره می‌جویند؟

نگاه یک

انقلاب اسلامی؛ انقلابی ترمیدوری یا تکاملی؟

مصطفی قربانی

در نگرش بدبینانه و محافظه‌کارانه نسبت به پدیده انقلاب، انقلاب‌ها اساساً نوعی خلاف عادت، عارضه و بیماری هستند که سرانجام پس از مدتی از تب‌وتاب می‌افتند و روند تحولات جامعه از مسیر غیرعادی و منحرف‌شده که در اثر انقلاب ایجاد شده است، برمی‌گردد و روند نرمالیزاسیون(عادی شدن) امور دوباره آغاز می‌شود. «آلکسی دوتوکویل» و «کرین برنتون» از برجسته‌ترین نظریه‌پردازانی هستند که چنین دیدگاهی نسبت به پدیده انقلاب دارند. برنتون در کتاب «کالبدشکافی چهار انقلاب» معتقد است که هر انقلابی مرحله‌ای را می‌گذراند و نهایتاً به ترمیدوری یا حرکت دوری و بازگشت از آرمان‌های انقلابی مبتلا می‌شود. از نظر برنتون، پس از پیروزی انقلابیون، شادای و امید را می‌توان در دل‌ها دید. این دوران، دوران «ماه عسل» انقلاب است. در این دوران بحرانی، پشت سر گذاشتن نظام پیشین و جایگزینی نظام جدید، مسئله اصلی است؛ اما ماه عسل خیلی زود پایان می‌پذیرد و پس از پایان این دوران مراحل زیر شکل می‌گیرد:

۱- دوران حکومت میانه‌روها: در چهار انقلاب بررسی شده، در مراحل نخستین آن یک حکومت قانونی از میانه‌روها شکل می‌گیرد. اما یک حکومت رقیب و غیررسمی نیز وجود دارد که آن حکومت رسمی را به چالش می‌کشد. میانه‌روها خواهان تغییرات سیاسی، سطحی، اندک و آهسته هستند، به تغییرات بنیادی و اقتصادی اعتنایی ندارند و قادر نیستند به خواسته‌ها و اعتراضات اقشار و گروه‌های مختلف پاسخ دهند.

۲- دوران حکومت رادیکال‌ها یا افراطیون: کسب قدرت به وسیله افراطیون سر آغاز دیکتاتوری انقلابی است. آنها پس از به‌دست گرفتن رسمی حکومت، تلاش می‌کنند با بیرون راندن هر مخالف فعال و مؤثری از سازمان‌های حکومتی، انحصار خود را بر این سازمان‌ها، که معمولاً از طریق یک رشته درگیری انجام می‌گیرد، به‌دست آورند. انضباط، یگانه‌اندیشی و تمرکز اقتدار نشانه‌فرمانروایی تدریجی پیروز است.

۳- ترمیدور: ترمیدور، یا «فناخت پس از فرو نشستن تب انقلاب»؛ به معنای فروکش کردن شرایط انقلابی و بازگشت به شرایط عادی است. سرخوردگی از وعده و وعیدهای انقلابی، غیرسیاسی شدن زندگی روزمره، بازگشت بخشی از طبقات حاکمه قدیم به قدرت و… از نشانه‌های آغاز این دوره است. مجموع این نشانه‌ها به معنای پایان عصر انقلاب است.

به هر حال، در بحث ترمیدور نوعی جبرگرایی نهفته است؛ به این معنا که نقش اراده افراد را در تحولات اجتماعی نادیده می‌گیرد. درواقع، هیچ ترمیدوری در انقلاب‌ها رخ نخواهد داد،